



Islamic Governance: Political Security and Strategies for Its Realization from the Perspective of the Holy Quran

Morteza Heydarzadeh^{ID}

Graduate, Level Three in Jurisprudence and Public Law, Higher Institute for Jurisprudence, Law, and Islamic Judiciary; Seminary of Qom, Qom, I.R.Iran (Corresponding Author)

Email: mheydarzade313@gmail.com

Sayyed Sajjad Al Sayyed Ghafoor^{ID}

Researcher, Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, I.R.Iran

Email: aleghafoor@gmail.com



Citation

Heydarzadeh, M. and Al Sayyed Ghafoor, S. S. (2024). Islamic Governance: Political Security and Strategies for Its Realization from the Perspective of the Holy Quran. *Aeine Hokmrani*, 2(3), 199-228

(DOI): 10.22034/ah.2025.722657

Type of Article: Research Article

Received: 2024 June 23

Accepted: 2025 April 04

Revised: 2025 March 07

Published Online: 2025 April 10

Abstract

Today, political security, meaning the organizational stability of governments and government systems, is one of the serious challenges to countries to the extent that it has put their legitimacy at risk. Various governance models have been proposed around the world to create political legitimacy and, as a result, the organizational stability of governments. The Holy Quran, as the most valuable source of knowledge for the Islamic community, has introduced components for governance to ensure political security. Therefore, the research question is: What solutions has Islamic governance provided to produce political security based on the Holy Quran? The present research, using the method of "atemporal extractive thematic interpretation," seeks to achieve this without imposing contemporary questions on this sacred text. The Quran has referred to historical examples in various cases by describing the characteristics and threats related to political security. Accordingly, to provide political security, Quranic governance is composed of two main pillars: people-centeredness and divineness. Under these two pillars, the strategies for achieving political security include: obedience of officials to the Islamic ruler, justice-centeredness, unity and lack of division among officials, lack of rebellion and tyranny of rulers, implementation of Islamic limits, science-centeredness, gentleness of rulers towards the people, and comprehensive readiness to confront external threats.

Keywords

Thematic Interpretation of the Quran, Islamic Governance, Political Security, Islamic State, Popular Governance.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دوفصلنامه علمی پژوهشی در حوزه حکمرانی اسلامی
سال دوم / شماره ۳ / بهار و تابستان ۱۴۰۳
ISSN: 2980-7880
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

مرتضی حیدرزاده^{ID}

طلبه درس خارج و سطح سه فقه و حقوق عمومی، مجتمع عالی فقه، حقوق و قضای اسلامی، حوزه علمیه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)

Email: mheydarzade313@gmail.com

سیدسجاد آل سیدغفور^{ID}

پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، جمهوری اسلامی ایران

Email: aleghafoor@gmail.com



استناد به این مقاله:

حیدرزاده، مرتضی و آل سید غفور، سید سجاد. (۱۴۰۳). حکمرانی اسلامی: امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از منظر قرآن کریم. نشریه آیین حکمرانی، ۲(۳)، ۱۹۹-۲۲۸

DOI: 10.22034/ah.2025.722657

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

چکیده

امروزه امنیت سیاسی به معنای ثبات سازمانی دولت‌ها و سیستم‌های حکومتی، یکی از چالش‌های جدی کشورها است تا جایی که مشروعیت آنها را در معرض خطر قرار داده است. الگوهای حکمرانی گوناگونی در پهنه دنیا برای ایجاد مشروعیت سیاسی و در نتیجه ثبات سازمانی حکومت‌ها ارائه شده است. قرآن کریم به عنوان باارزش‌ترین منبع معرفتی جامعه اسلامی هم برای تأمین امنیت سیاسی، مؤلفه‌هایی را برای حکمرانی معرفی کرده است؛ از این رو پرسش تحقیق این است که: حکمرانی اسلامی چه راهکارهایی را برای تولید امنیت سیاسی بر پایه قرآن کریم ارائه داده است؟ پژوهش پیش رو با روش «تفسیر موضوعی استخراجی غیرزمانی» به دنبال آن است که بدون تحمیل پرسش‌های زمانه بر این متن مقدس به این مهم دست یابد. قرآن در موارد گوناگونی با توصیف ویژگی‌ها و تهدیدهای مربوط به امنیت سیاسی، به نمونه‌هایی تاریخی اشاره کرده است؛ بر این اساس برای فراهم کردن امنیت سیاسی، حکمرانی قرآنی از دو رکن اصلی - یعنی مردم‌محور و الهی‌بودن - تشکیل شده است. ذیل این دو رکن، راهکارهای تحقق امنیت سیاسی عبارت‌اند از: تبعیت مسئولان از حاکم اسلامی، عدالت‌محوری، وحدت و عدم تفرقه بین مسئولان، عدم طغیان‌گری و استبداد حاکمان، اجرای حدود اسلامی، علم‌محوری، نرم‌خویی حاکمان با مردم، آمادگی همه‌جانبه برای رویارویی با تهدیدهای خارجی.

واژگان کلیدی

تفسیر موضوعی قرآن، حکمرانی اسلامی، امنیت سیاسی، دولت اسلامی، حکمرانی مردمی

آیین حکمرانی

سال دوم
شماره سوم / بهار و تابستان ۱۴۰۳

۲۰۱



ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

© نویسندگان

...

مقدمه

امنیت یکی از باارزش‌ترین نعمت‌های الهی به جامعه انسانی (انفال: ۲۶) و رحمتی خاص از سوی او دانسته شده است (کهف: ۲۸)؛ از این رو خداوند بلندمرتبه یکی از برجسته‌ترین هدف‌های ادیان الهی را امنیت عمومی می‌داند (بقره: ۸۴) که در بستر بندگی خداوند محقق می‌شود (قریش: ۴۳). قرآن کریم امنیت عمومی و همه‌جانبه مردم را یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های حکومت‌های دینی (تمکن و قدرت مؤمنین) دانسته است (نور: ۵۵). حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل آیه ۹۷ سوره کهف می‌نویسد:

«امنیت، نخستین و مهم‌ترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است؛ به همین جهت "ذوالقرنین" برای فراهم کردن آن، نسبت به قومی که مورد تهدید قرار گرفته بودند پرزحمت‌ترین کارها را برعهده گرفت و برای جلوگیری از فسادان، از نیرومندترین سدها استفاده کرد. اصولاً تا جلوی فسادان را با قاطعیت و به وسیله نیرومندترین سدها نگیرند جامعه روی سعادت نخواهد دید و به همین دلیل، ابراهیم علیه السلام هنگام بنای کعبه، نخستین چیزی را که از خدا برای آن سرزمین تقاضا کرد نعمت امنیت بود (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا) و نیز به همین دلیل سخت‌ترین مجازات‌ها در فقه اسلامی برای کسانی در نظر گرفته شده است که امنیت جامعه را به خطر می‌افکنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۵۳۹).

حکومت اسلامی برای اینکه بتواند برای جامعه تأمین امنیت کند و سبب هرج و مرج و بی‌امنی در جامعه نباشد باید دارای ساختار سیاسی امن باشد تا در پرتو آن، برای جامعه امنیت‌بخش باشد. به بیان دیگر، هر جامعه که دو رکن حاکمیت و مردم را داشته باشد، در صورتی دارای امنیت خواهد بود که حاکمیت بتواند با حفظ ثبات و امنیت در ساختار خود، آن را به عموم مردم پیشکش کند. شهید مطهری رحمته الله دولت و حکومت را این‌گونه در بستر امنیت داخلی و خارجی تعریف می‌کند:

«دولت و حکومت، در حقیقت یعنی مظهر قدرت جامعه در برابر هجوم خارجی و مظهر عدالت و امنیت داخلی و مظهر قانون برای داخل و مظهر تصمیم‌های اجتماعی در روابط اجتماعی» (مطهری، [بی‌تا] د، ص ۱۵۱).

برای دستیابی به این امنیت سیاسی، گونه‌ای از حکمرانی باید در ساختار حکومت

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

اسلامی جریان داشته باشد تا در پرتو آن، امنیت ساختار حکومت و سپس امنیت عمومی جامعه تأمین شود.

حاج زاده و دیگران در مقاله «جایگاه امنیت سیاسی در فقه امامیه با تأکید بر مرجع امنیت»، بر ضرورت حفظ اساس جامعه و جلوگیری از ناامنی به عنوان مقدمه‌ای برای ارسال رسل و تحقق توحید در جامعه منسجم به وسیله انبیا تأکید می‌کند که حفظ نظام در شرایط گوناگون، دارای احکام گوناگونی است. وجوب ازاله حکومت غیرتوحیدی هم حکم اولیه است که در صورت به خطر افتادن امنیت عمومی جامعه، به تعویق می‌افتد و حفظ حکومت غیرتوحیدی لازم است.

سلیمی و شاه‌محمدی در مقاله «استحکام ساخت درونی قدرت نظام ج.ا.ا با نگاه امنیتی (با تأکید بر امنیت سیاسی)»، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل مضمون داده‌های موجود، مفهوم امنیت در قرآن را با آرامش و طمأنینه نزدیک دانسته است و تأمین آن را مشروط به توازن قدرت بین حاکمان و مردم و همچنین عدم تزریق ناامنی از راه حاکمیت به مردم به بهانه حوادث اجتماعی، طبیعی و... می‌داند. در ادامه، مؤلفه‌های امنیت را صیانت و اجرای صحیح قوانین و عدالت اجتماعی دانسته است و امنیت سیاسی عمومی را زمینه‌ای برای تأمین امنیت سیاسی سازمانی حکومت می‌داند.

حیدری و قربی در مقاله «مؤلفه‌های داخلی و خارجی تأمین‌کننده امنیت سیاسی از منظر امام خمینی (ره)» امنیت سیاسی را به معنای امنیت عمومی جامعه در فضای سیاسی بررسی و مؤلفه‌های آن را در اندیشه امام خمینی (ره) به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرده است.

علویان و دیگران در مقاله «بررسی مؤلفه‌های امنیت سیاسی در حکمرانی شایسته» به بررسی مؤلفه‌های امنیت سیاسی در سه سطح فرد، مردم و حاکمیت پرداخته است و با روش کیفی و تحلیل مضمون داده‌ها، هشت مؤلفه را به عنوان مؤلفه‌های حکمرانی شایسته برای رسیدن به امنیت سیاسی در سه سطح گفته شده معرفی می‌کند.

امینی در مقاله «نقش نهاد حکومتی در تأمین و حفظ امنیت» سطوح امنیت سیاسی در اسلام را در پنج سطح فردی (خرد)، جامعه‌ای، منطقه‌ای (متوسط)، اُمتی و بین‌المللی

(کلان) تقسیم می‌کند و برای هر کدام تهدیدهایی را بیان می‌کند. در سطح فردی، تهدید تأمین نشدن حقوق و آزادی‌های فردی، در سطح متوسط تهدید عدم تأمین حقوق و آزادی‌های سیاسی جامعه و تهدید مؤلفه‌های حکومت (مردم‌سالار، ایدئولوژی اسلامی و سرزمین) را بیان می‌کند.

نصیری در مقاله «مرجع قرآنی و روایی مرجع امنیت سیاسی در اسلام» با کنکاش در قرآن و روایات، تأمین امنیت سیاسی دولت اسلامی را با سه مؤلفه اسلام، نهادهای حکومتی و قلمرو سرزمینی، پایه تأمین امنیت در جامعه معرفی می‌کند.

در پژوهش پیش رو به راهکارهای تأمین امنیت سیاسی - به معنای ثبات سازمانی - در حکمرانی اسلامی بر پایه قرآن کریم پرداخته می‌شود. امینی، به امنیت سیاسی عام و بر پایه داده‌های علمی موجود پرداخته و نصیری هم امنیت سیاسی را از باب مرجع بودن بقیه امنیت‌ها - نه از منظر حکمرانی امنیت‌آفرین - بررسی کرده است. دیگر پژوهش‌های کنونی در پیوند با امنیت سیاسی سازمانی، این امر را در حکمرانی اسلامی بر پایه قرآن کریم بررسی نکرده‌اند ولی این پژوهش، با استناد به قرآن کریم، راهکارهایی بر پایه حکمرانی اسلامی معرفی می‌کند که امنیت سیاسی را به ساختار حکومت پیشکش می‌کند.

۱. چهارچوب مفهومی و ادبیات نظری تحقیق

۱-۱. امنیت سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امنیت را می‌توان به دو گونه سلبی و ایجابی تعریف کرد. در تعریف سلبی، امنیت، وضعیتی است که منافع بازیگر یا ازسوی دیگر بازیگران تهدید نشده و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای بازیگر (هدف) وجود داشته باشد (افتخاری، ۱۳۹۱، ص ۸۱). در تعریف ایجابی، امنیت، وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی معین، متناسب با ضریب ایدئولوژیک (آن واحد)، تعادلی وجود دارد که نزد بازیگران (آن واحد) تولید رضایت می‌کند (همان، ص ۸۴). اصطلاح امنیت سیاسی را

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

نخستین بار باری بوزان در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس، در بحث از گونه‌های امنیت جامعه طرح و تفصیل داد. در چپستی و مفهوم امنیت سیاسی، دو دیدگاه گوناگون وجود دارد. در رویکرد دولت‌محور، امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشند (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۳۷). تهدیدهای سیاسی، ثبات سازمانی دولت را هدف گرفته‌اند. منظور از این تهدیدها می‌تواند گوناگون باشد و از تحت فشار گذاشتن حکومت در زمینه سیاسی ویژه تا براندازی حکومت، دامن‌زدن به جدایی‌طلبی و از هم گسیخته‌کردن کالبد سیاسی دولت، با انگیزه ناتوان‌کردن آن پیش از حمله نظامی را دربرمی‌گیرد. در برابر این نگاه، رویکرد فردمحور قرار دارد؛ بنابراین امنیت سیاسی، وضعیتی است که افراد در جامعه بدون هرگونه نفاق و فریب‌کاری بتوانند آزادانه دیدگاه‌ها و مواضع خود را بیان کنند (میراحمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰). چنین برداشتی از مفهوم امنیت سیاسی را می‌توان در کلام آیت‌الله خامنه‌ای دید. به گفته ایشان، امنیت سیاسی این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۸، ص ۷۹). پژوهش پیش رو می‌کوشد تا مرجع امنیت سیاسی را با رویکرد باری بوزان از منظر قرآن کریم بسنجد.

۱-۲. حکمرانی اسلامی

در حقیقت، حکمرانی اسلامی به معنای راهبری مؤنانه قدرت برای تحقق امر عمومی در تمامی پهنه‌ها و بخش‌ها در ارتباط با دیگر ذی‌نفعان، ذی‌ربطان و اجزا از مبدأ تا مقصد به برانگیختن محرک‌ها در بستر زمان و مکان از راه عمل صالح است (لک‌زایی و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۷۱). دو مفهوم حکومت و حکمرانی با هم فرق دارند؛ حکومت، مفهوم ایستا است ولی حکمرانی مفهومی فرآیندی و دینامیک است. حکمرانی در قرآن بدون فرض حکومت هم متصور است از این رو با اینکه برای برخی از انبیای الهی فرصت تشکیل حکومت فراهم نشد ولی در قرآن به شیوه‌های حکمرانی آنها اشاره شده است. به بیان دیگر، حکومت یکی از کنش‌گران گستره حکمرانی است که نبودش، بازدارنده تحقق حکمرانی نیست. در این

پژوهش، افزون بر توجه به معنای عام حکمرانی، تأکید و توجه بیشتری بر کنش‌گری حاکمان در حکمرانی شده است.

۱-۳. روش‌شناسی تحقیق

رویکردهای گوناگونی برای فهم از قرآن بین مسلمانان وجود دارد که تفسیر تنزیلی، ترتیبی و موضوعی از آن جمله هستند. تفسیر موضوعی، روشی برای تبیین یک موضوع با ملاحظه آیات هم‌موضوع و هم‌مضمون و نه هماهنگ، با ترتیب و تنظیم موجود در قرآن است. در این روش، مفسر آیات گوناگون درباره یک موضوع را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و با جمع‌بندی و تحلیل آنها دیدگاه قرآن را تبیین می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹). آیات گوناگونی درباره یک موضوع که در مواضع گوناگون قرآن آمده است، جمع‌آوری و جمع‌بندی شود و از مجموع آن، دیدگاه قرآن درباره آن موضوع و جنبه‌های آن روشن شود. این شیوه، بین تجربه بشر و قرآن جمع می‌کند و دیدگاه واحدی را پیرامون یک موضوع بیان می‌کند. این روش تفسیر تقطیعی هم خوانده شده است؛ چراکه در این شیوه، آیات قرآن تقطیع و جدای از آیات پیشین و پسین، بررسی می‌شود. در تفسیر موضوعی دو رویکرد وجود دارد: استنتاجی که به‌سختی در آوردن متن بر اساس پرسش‌های زمانه است و استخراجی که تعیین موضوع از بیرون و شناسایی مسائل و احکام از متن است. روش تفسیر استخراجی بر دو گونه تقسیم می‌شود: استخراج زمانی، یعنی بر اساس تفسیر تنزیلی و با تأکید بر زمان نزول و استخراج غیرزمانی (معنایی)، یعنی گرد هم آمدن منطقی داده‌های موجود برای استخراج یک نظام از درون آنها. این پژوهش، با استفاده از روش تفسیر موضوعی استخراجی غیرزمانی، به دنبال آن است که آیات در پیوند با امنیت سیاسی را شناسایی و استخراج کند. سازوکار کاوش آیات امنیت سیاسی، بدون تحمیل پرسش‌های زمانه و خالی‌الذهن انجام می‌شود تا آیات مربوط به آن استخراج و مشخص شود؛ براین اساس آیات به‌دست آمده، به شکل زیر ترسیم می‌شود:

۲. تولید امنیت سیاسی مبتنی بر حکمرانی اسلامی

۲-۱. ارکان اصلی حکمرانی اسلامی؛ مولد امنیت سیاسی

مردمی بودن و الهی بودن به عنوان دو رکن اصلی و محوری حکمرانی قرآنی، سبب ثبات سیاسی در ساختار سیاسی حکومت اسلامی می شود و راهکارهای امنیت ساز از دل این دو رکن اساسی به وجود می آیند. شکل گیری و دوام اصل حکومت اسلامی، ریشه در ارزش ها و معیارهای الهی و انتخاب آگاهانه مردم دارد. مردم اگر احساس کنند که حکومت به راستی الهی است و حاکمان دغدغه تأمین مصالح آنها را در چهارچوب احکام الهی دارند، آن گاه صادقانه با حکومت همراه می شوند و این خود پشتوانه ای بزرگ برای امنیت درونی است (مطهری، [بی تا] الف، ج ۴، ص ۲۳۱). این ارزش ها، معیارها و احکام الهی و همچنین اراده عمومی ملت در جای جای حکمرانی و اعمال قدرت حضور جدی دارند و تعیین کننده اهداف، سیاست ها، رویکردها و برنامه های یک حکومت است. اگر حکمرانی در دولت اسلامی، بر پایه این دو رکن در تمام پهنه های خود باشد، ژرف ترین و ماندگارترین ثبات سیاسی را به همراه خواهد داشت؛ از این رو مصباح یزدی^۱ رابطه این دو رکن امنیت ساز را این گونه بیان می کند:

«هرگاه حکومتی بر اساس معیارهای الهی اداره شود و مردم به آن باور داشته باشند، امنیت سیاسی و اجتماعی آن حکومت در برابر نفوذ بیگانگان و توطئه ها تضمین می شود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲).

۲-۱-۱. حکمرانی الهی؛ مولد امنیت سیاسی

در قرآن کریم شاخص ترین محور امنیت در جامعه، ایمان به دین خدا و عمل بر پایه آن دانسته شده است. سید قطب ذیل آیه «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور: ۵۵) امنیت حکومت اسلامی برپا شده در مدینه بعد از جنگ های پی در پی را در پرتو ایمان به خداوند بیان می کند و دلیل ناامنی های بعدی در حکومت اسلامی را ناشی از تخلف از این شرط و عهد الهی - یعنی ایمان باللّه - می داند؛ از این رو

در آیه بعد خداوند بلندمرتبه با سفارش به برگشت به بندگی خداوند، شرط رهایی از فساد و ناامنی و گمراهی را اطاعت خدا و رسول معرفی می‌کند (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۵۲۹-۲۵۳۰). علامه طباطبائی رحمته الله علیه هم ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، پیوند ایمان به خدا و امنیت را این‌گونه بیان می‌کند:

منظور از نعمت، مواهب جمیله‌ای است که خدای بلندمرتبه در سایه اسلام به آنان داده است. در دوران جاهلیت امنیت، سلامتی، ثروت، صفای دل نسبت به یکدیگر و پاکی اعمال نداشتند و در سایه اسلام صاحب همه اینها شدند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۷۱).

ازسوی دیگر به حکم آیه شریفه «فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ (ابراهیم: ۲۱)» و آیه «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا» (احزاب: ۶۷) که در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام هم با بیان «الْأَنَاسُ بِأَمْرَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَيَّانِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۴۶) تجلی یافته است بخش گسترده‌ای از بار دیانت جامعه و در نتیجه تأمین امنیت، وابسته به عملکرد حاکمان است. در واقع، حاکمان اسلامی با پای‌بندی به ارزش‌های دینی - به‌ویژه در مواضع رفتاری و گفتاری سیاسی و اجتماعی - سبب افزایش ایمان مردم نسبت به ارزش‌های الهی و در نتیجه پای‌بندی بیشتر مردم به حکومت اسلامی خواهند شد؛ چراکه ویژگی انسانی نظام اجتماعی سبب می‌شود هر نظام را انسان‌هایی به وجود آورند که در چهارچوب آرمان‌های مربوط به آن نظام می‌کوشند؛ ازاین‌رو در هر انقلابی (تغییر در ساختار سیاسی قدرت) نیروهای انسانی ویژه‌ای در تغییر نظام اجتماعی موجود و تبدیل آن به نظام اجتماعی مطلوب دخیل هستند. این آرمان‌های اجتماعی، همواره پیرو معرفتی هستند که افراد نسبت به خود و جایگاه‌شان در هستی دارد. منظور از این معرفت و شناخت، آگاهی‌ای است که تعقل عملی افراد را تأمین می‌کند؛ ازاین‌رو این معرفت، همراه با ایمان است (پارسانیا، ۱۳۸۹، ص ۱۷-۱۹). بنابراین، هرچه معرفت دینی و ایمان مردم در نتیجه عملکرد حاکمان بیشتر شود، ایمان مردم به آرمان‌های آن نظام بیشتر و امنیت سیاسی پایدارتر خواهد بود. در برابر آن، علامه طباطبائی رحمته الله علیه ذیل آیات ۳۱ و ۳۲ سوره هود، نزول بلا در جامعه و در نتیجه نداشتن امنیت و آسایش اجتماعی در نتیجه

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

عصیان الهی را سنت قطعی تکوینی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۲۰۱). ازسوی دیگر، پای‌بندی حاکمان به دستورها و رهنمون‌های دین، به معنای عمل بر اساس قوانین خلقت و سنت‌های ثابت الهی (احزاب: ۶۲) است که یاری خداوند بلندمرتبه (محمد: ۷) و در نتیجه برتری و امنیت (آل عمران: ۱۳۲) را به دنبال دارد؛ ازاین‌رو خداوند بلندمرتبه، غلبه و پیروزی راه حق را یکی از سنت‌های قطعی معرفی می‌کند (مجادله: ۲۱).

۲-۱-۲. حکمرانی مردم‌محور؛ مولد امنیت سیاسی

مردم‌سالاری در نظام سیاسی بر پایه قرآن، نه تنها تهدیدکننده کیان نظام اسلامی نیست، بلکه در صورت شکل‌گیری مردم‌سالاری بر اساس فرآیندهایی معقول و انسانی، سبب ثبات و امنیت دولت اسلامی است. در آیات درباره جهاد، خداوند بلندمرتبه مردم را پی در پی به جهاد دعوت می‌کند تا در پرتو جهاد، کیان نظام اسلامی حفظ شده و در سایه امنیت حکومت، امنیت عمومی برقرار باشد (انفال: ۶۵). همچنین در آیه دیگری نتیجه این حضور مردم در تأمین امنیت حکومت اسلامی را پیروزی و استقرار امنیت می‌داند (صف: ۱۳).

قرآن کریم، ضرورت توجه و جلب نظر اندیشه‌های همه گروه‌های جامعه را یادآوری کرده و آن را پایه امنیت درونی حکومت می‌داند (هود: ۳۰). این آیه بیان‌گر اصل عدالت اجتماعی و اهمیت جایگاه مردم، به‌ویژه افراد ضعیف در پایداری یک حکومت است. پیامبران الهی، همانند نوح علیه السلام، می‌دانستند که قدرت سیاسی و مشروعیت آنان، وابسته به اعتمادسازی همه گروه‌های جامعه است. اگر حاکمان، ضعیفان را کنار بگذارند، زمینه نارضایتی عمومی و فروپاشی حکومت فراهم می‌شود. علامه طباطبایی رحمه الله ذیل آیه ۶۰ سوره انفال می‌نویسد:

آنچه خداوند متعال بر اساس دین فطری و استوار برای جامعه اسلامی قرار داده است، حکومت انسانی است؛ دراین‌چنین حکومتی، حقوق همه گروه‌های جامعه اعم از زن و مرد، فقیر و غنی، ضعیف و قدرتمند و... به‌طور یکسان رعایت می‌شود؛ برخلاف حکومت‌های سلطنتی و دموکراتیک که منافع و حقوق فرد یا اکثریت موردتوجه قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۱۵).

وقتی همه گروه‌های مردم، خود را بخشی از حاکمیت بدانند، آماده‌اند تا برای حفظ و ثبات

حکومت تلاش کنند؛ حتی اگر شرایط سختی از جمله جهاد برای حفظ امنیت پیش بیاید. یکی از برجسته‌ترین نمادهای حکمرانی مردمی، توجه به پیشنهادهای و نظرهای مردمی برای حل و فصل امورات کشور است؛ از این رو حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل آیه ۳۰ سوره شوری، به این اصل مهم اجتماعی اشاره می‌کند:

مهمترین مسئله اجتماعی همان اصل «شوری است که بدون آن، همه کارها ناقص است..؛ بنابراین در حدیث پر معنایی از پیغمبر گرامی اسلام ﷺ می‌خوانیم: «انه ما من رجل یشاور احدا الا هدی الی الرشده» (فیض، ج ۴، ص ۳۷۸). قابل توجه اینکه، تعبیر در اینجا به صورتی است که آن را یک برنامه مستمر مؤمنان می‌شمرد... و جالب اینکه خود پیامبر ﷺ با اینکه عقل کل بود و با مبدأ وحی ارتباط داشت، در مسائل مختلف اجتماعی و اجرایی، در جنگ و صلح و امور مهم دیگر، به مشورت با یاران می‌نشست و حتی گاه نظر آنها را ترجیح می‌داد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۰، ص ۴۶۲).

شنیدن انتقادات و مطالبه‌های عمومی، یکی از نمودهای برجسته حکمرانی مردمی است (توبه: ۶۱) که در قرآن به آن اشاره شده است: «پیغمبر اکرم ﷺ هم گوش شنوایی برای شنیدن مطالبات و خواسته‌های مردم داشت (اذن خیر لکم) و هم با مردم بزرگوارانه و با کرامت برخورد می‌کرد و رازها و عیوب آنها را فاش نمی‌کرد (و یؤمن للمؤمنین)» (طباطبایی، ج ۹: ص ۳۱۴).

بنابراین حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی بیان می‌کند: «همین ویژگی سبب می‌شد مردم احساس امنیت کنند و بدانند که صدای‌شان در حکومت دینی شنیده می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۱۲).

به این ترتیب، در مکتب قرآن، امنیت در همه جنبه‌های خود، مردم‌محور است و برنامه‌های حکومت اسلامی در حوزه‌های گوناگون، جز با همراهی مردم پیش نمی‌رود و این خود زمینه‌ساز همراهی و مشارکت مردم در تأمین امنیت نظام سیاسی است. در حوزه اقتصادی دستورها و احکام اسلام، ناظر به خمس، زکات، انفاق و قرض‌الحسنه، همه مواردی برای التیام دردهای اجتماعی و کاهش نارضایتی‌های اجتماعی با همراهی خود مردم است. در حوزه نظامی و امنیت خارجی هم جهاد است و در حوزه‌های فرهنگی، احکام گوناگون

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

اجتماعی وجود دارد که با دستور امر به معروف و نهی از منکر، خود مردم را دعوت به پی‌گیری برای اجرای این دستورات می‌کند. به بیان دیگر، پایداری دولت اسلامی، از درون نیازمند حضور و مشارکت جدی مردم در امور جامعه است که جز در پرتو حکمرانی مردم‌محور محقق نمی‌شود.

درنهایت، بار دیگر باید به بهم‌پیوستگی این دو رکن حکمرانی قرآنی در تأمین امنیت سیاسی تأکید کرد و باتوجه به آیه شریفه «لَا يَغَيِّرُ مَا بَقُومُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) سنت الهی در این است که سرنوشت انسان در گرو انتخاب او نسبت به مسیر هدایت الهی یا عصیان الهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۳۱۰).

۲-۲. راهکارهای تولید امنیت سیاسی در حکمرانی اسلامی

بر پایه دو رکن اصلی و محوری تولید امنیت در حکمرانی قرآنی، راهکارهایی برای تحقق امنیت سیاسی به دست می‌آید که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۲-۲-۱. تبعیت از رهبر جامعه

یکی از ارکان اساسی در حکمرانی اسلامی، وجود رهبری است که مشروعیت الهی و پذیرش مردمی را همزمان دارا باشد (مردم‌سالاری دینی)؛ چنین رهبری به عنوان محور امنیت جامعه معرفی می‌شود؛ از این رو امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «امامت، زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است ... امام، امین خداوند در میان مردم است» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸۶).

خداوند بلندمرتبه در آیه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَالًّا مُبِينًا» (احزاب: ۳۶)، ضرورت پیروی کامل مردم از آراء و نظرات حکومتی و سیاسی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می‌کند. مراد از قضای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، عبارت است از اینکه رسول او به خاطر ولایتی که خدا برایش قرار داده، در شأنی از شؤون بندگان، دخل و تصرف کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۲۱)؛ بنابراین هرکسی که در مقام ولایت الهی قرار دارد اعم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امامان معصوم علیهم السلام و فقهای

جامع الشریط (به نصب عام) به سبب اینکه دارای ولایت بر اداره شؤون اجتماعی مردم هستند لازم التبعیه هستند؛ از این رو امیر مؤمنان علی علیه السلام هم می فرماید: «حق من (حاکم) بر شما این است که وقتی شما را به امری میخوانم اجابت کرده و وقتی شما را به چیزی امر می کنم اطاعت کنید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴). سپس پیوند رو در روی مردم و حاکمان در صورت رعایت عدالت از سوی حاکمان و پیروی مردم از حاکمان را امنیت سیاسی و ماندگاری دولت و شوکت نظام اسلامی معرفی می کند (همان). در واقع، حاکم اسلامی محور امنیت و عدالت در جامعه انسانی است؛ زیرا که ولی، جانشین خدا و نماد سلطه و قدرت عادلانه الهی در زمین است، عدل و امن را که برای رویش و بالندگی نهال انسان، همچون زمینی مستعد و آبی گوارا و هوایی مساعد است، در محیط زیست آنان تأمین می کند (خامنه ای، ۱۳۹۵، ص ۱۰۴).

همان گونه که پیروی مردم از امام در تولید امنیت سیاسی و اجتماعی مؤثر است، پیروی مسئولان از حاکم و امام جامعه هم به سبب جایگاه تأثیرگذار آنان در ساختار قدرت، اول برنامه های حکومت با راهبری های حاکم اسلامی به سوی عدالت و امنیت، محقق می کند و دوم، وحدت درونی حکومت را تضمین می کند و از دودستگی و تنش - که عامل اصلی ناامنی سیاسی است - جلوگیری می کند. اگر رهبری واحد در رأس یک حکومت و اجتماع نباشد و هرکس به دنبال آراء و دیدگاه های شخصی خودش باشد و در واقع رهبران، دیدگاه های خودشان را در جامعه پیاده کنند، سرانجام امر چیزی جز هرج و مرج و ناامنی نخواهد بود. مراد آیه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) این است که بفرمایید، مجتمعی که با اجتماع دل ها، و هدف و هوا و هوس های گوناگون تشکیل شود. با در نظر گرفتن اینکه راهنمای چنین مجتمعی واحد نیست، تا آن را به هدفی واحد سوق دهد، شدیدترین خلاف و اختلاف را پدید می آورد. خلاف و اختلاف کارشان را به تنازع می کشاند و آنها پی در پی به قتال و زوال تهدید می کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۷۱).

۲-۲-۲. وحدت و عدم تفرقه

تفرقه و اختلاف در جامعه، سبب ایجاد ناامنی های اجتماعی و سیاسی و سرانجام به خطر افتادن امنیت سیاسی از درون و بیرون است. هرچند این اختلاف ها ممکن است از سوی

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

عده‌ای ویژه باشد ولی آثار سوء آن - یعنی سلب امنیت - متوجه همه جامعه خواهد بود (انفال: ۲۵)؛ بنابراین «برگشت معنای آیه به تحذیر تمامی مسلمانان از سهل‌انگاری در امر اختلاف‌های داخلی خواهد بود، چون این‌گونه اختلاف‌ها، آنها را به تفرقه و اختلاف کلمه تهدید کرده و سبب می‌شود که وحدت مسلمین به تشتت و چنددستگی مبدل شود و معلوم است که در این صورت هر دسته که چیره شود زمام را به دست می‌گیرد و معلوم است که این غلبه، غلبه فساد است نه غلبه کلمه حق. پس گو اینکه فتنه مختص به یک دسته است یعنی مختص به ستمکاران، و لیکن اثر سوء آن دامن‌گیر همه شده و در اثر اختلاف همه دچار ذلت و مسکنت می‌شوند» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۵۶). علامه طباطبایی رحمته الله علیه ذیل آیه ۴۶ انفال بیان می‌کند: «معنای "و لا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْکُمْ" این است که اختلاف و تفرقه سبب ضعف اراده جامعه اسلامی و همچنین از بین رفتن عزت و قدرت جامعه و دولت اسلامی می‌شود» (همان، ص ۹۵). در جای دیگر با اشاره به همین آیه، تفرقه را سبب از بین رفتن امنیت و پیدایش تهدیدهای خارجی و داخلی دشمنان می‌داند (همان، ج ۱، ص ۳۵۵). همچنین در جای دیگر، آیات فراوان قرآن را بیان کرده و امر به اتحاد و عدم اختلاف در جامعه را اصل و اساس در تأمین منافع مادی و معنوی از جمله امنیت سیاسی در جامعه معرفی می‌کند (همان، ج ۴، ص ۹۵)؛ بنابراین قرآن کریم پس از برحذر داشتن‌های پی‌درپی از تفرقه، دعوت به وحدت می‌کند و آن را سبب پیروزی و کامیابی و امنیت ملت‌ها و حکومت‌ها می‌داند:

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید (آل عمران: ۱۰۳).

در ادامه، علامه طباطبایی رحمته الله علیه ریشه این اختلاف‌ها را تعلّی به احکام حکومتی دولت اسلامی می‌داند:

به‌طور مسلم همه ظلم‌ها این‌طور نیستند ... و از اینکه خداوند همه امت را از آن زنهار داده معلوم می‌شود که منظور آن ظلمی است که اثر سوءاش عمومی باشد، و چنین ظلمی ناچار باید از قبیل برهم‌زدن حکومت حقه اسلامی و زمام آن را به ناحق به دست گرفتن و یا پایمال کردن احکام قطعی از کتاب و سنت که راجع به حکومت حقه است باشد (همان).

معلوم می‌شود ریشه بسیاری از اختلاف‌های اجتماعی که سبب ناامنی اجتماعی می‌شود، اختلاف‌ها و تفرقه‌پراکنی در رأس حاکمیت و صاحبان قدرت و مقام است که گروهی از آنها برای رسیدن به انگیزه‌های دنیایی خود، به دنبال برهم‌زدن امنیت سیاسی حکومت حقه اسلامی هستند؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین سبب‌های ایجاد این ناامنی، تفرقه و اختلاف در درون حاکمیت است. تفرقه و عدم اتحاد در برنامه‌ها، سیاست‌ها، مواضع سیاسی و عمومی و... از راه مقام‌های حکومتی می‌تواند این ناامنی سیاسی را دامن بزند؛ ازاین‌رو امام خمینی ره می‌فرماید:

جلوگیری از اختلاف مسئولان، بزرگ‌ترین خدمت به انقلاب و مردم است. اگر حاکمان دچار اختلاف شوند بی‌شک، اختلاف به شهر و روستاها خواهد رسید و زمینه را برای مداخله دشمنان خارجی فراهم می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۲۳۶).

پس وحدت مسئولین، یکی از شاخص‌ترین سبب‌ها در تأمین امنیت و قدرت سیاسی است و نبود آن سبب ناامنی است؛ چراکه سنت خداوند بر این نیست که امت‌های ضعیف را باوجود اسباب خشم الهی از غضب خود در امان نگه دارد و بدون لحاظ عملکرد آنها، ثروت و قدرت و شوکت حکومت را حفظ کند بلکه این‌ها در گرو اسباب آن - یعنی عملکرد خودشان - است؛ ازاین‌رو فرمود: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِجَاكُمْ» (مراغی، [بی‌تا]: ج ۲، ص ۱۲۰).

۳-۲-۲. عدالت‌ورزی حاکمان

در اسلام شاید درباره هیچ امری به اندازه عدالت، تأکید و سفارش نشده باشد طوری که اساس حکمرانی را عدالت قرار داده است (نساء: ۵۸). قرآن کریم هدف انبیا را برقراری عدالت و قسط معرفی می‌کند (حدید: ۲۵) لذا پیامبر همراه با دعوت، امر به عدالت می‌شود (شوری: ۱۵). قرآن کریم در موارد فراوانی، خبر از نابودی و ناامنی در قوم‌های گذشته داده است. برخی از این موارد در آنجایی است که ریشه ظلم در آن جامعه، ظلم صاحبان قدرت و ثروت - یعنی رهبران و حاکمان جامعه - بوده است. قوم شعیب از نعمت‌های فراوانی برخوردار بودند. گروهی از این قوم، به اصحاب الایکه معروف بودند؛ اما این قوم به جای شکر نعمت به کفران نعمت پرداختند و حق مردم را ضایع کرده و کم‌فروشی کردند.

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

فرعونیان هم به شرک و بت پرستی و تکذیب آیات الهی پرداختند (شعراء: ۱۸۱-۱۸۳). یکی از سبب‌های رد آن‌ها، همان ظلم بود. فرعونیان سال‌ها در مصر بر قبطیان و بنی اسرائیل ظلم روا داشته و به فساد ادامه می‌دادند (تحریم: ۱۱). دیدگاه قرآن با ظلم و تعدی ناسازگار است و حکومت به عدل را سفارش می‌کند. ستم و ستم‌گری در قرآن، متعارض با ایمان بوده و سبب نابودی و هلاکت اقوام ستم‌گر و بی‌ایمان به شمرده شده است (یونس: ۱۳). سرانجام ظلم و ستم، عذاب الهی است که پس از بیان مجازات مخالفان نوح، قوم عاد، ثمود، لوط و شعیب آمده است (هود: ۱۰۲).

ظلم معنای گسترده‌ای دارد. در قرآن معانی گوناگونی برای ظلم بیان شده است؛ از جمله: دروغ و افترا بستن بر خدا، تکذیب آیات الهی، تجاوز از حدود الهی، اطاعت از کفار و... که همه این معانی گوناگون، در سه گروه قابل بررسی است: ظلم میان انسان و خدا، ظلم میان انسان و مردم، و ظلم میان انسان و نفس خویش (قانع، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵-۱۳۹). از بین گروه‌های سه‌گانه، ظلم میان انسان و مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. قرآن ظلم را سبب ویرانی و نابودی خانه‌ها، شهرها و جوامع می‌داند. تاریخ، بارها این حقیقت را اثبات کرده است که دنیا ممکن است با کفر ادامه یابد، اما با ظلم دوام‌ناپذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۵۰۰). ظلم حاکمان و حکومت به مردم هم نمونه بارز این دسته از ظلم است که سبب تباهی و از بین رفتن حکومت‌ها می‌شود؛ از این رو حکمرانی حاکمان هرچقدر به عدالت نزدیک‌تر بوده و از ظلم دورتر باشد، به حکم این سنت الهی از پایداری و امنیت سیاسی بیشتری برخوردار خواهد بود: «وَمَا اللَّهُ بِرَبِّهِمْ ظُلُمًا لِلْعِبَادِ» (غافر: ۳۱)؛ بنابراین یکی از هدف‌های اصلی انبیای الهی، مبارزه کردن با حکومت ظالمان بوده است (شعراء: ۱۰). در قسمت دوم آیه ۵۸ سوره نساء اشاره به دستور مهم دیگری شده که آن مسئله «عدالت در حکومت» است. این آیه می‌گوید خداوند هم به شما فرمان داده است به هنگامی که بین مردم قضاوت و حکومت می‌کنید از روی عدالت حکم کنید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۳۰). در واقع در این آیه، به جای تمرکز بر ویژگی حکمران‌ها، بر چگونگی حکمرانی آنها سفارش کرده است و عدالت را بهترین راهکار برای گستره حکمرانی معرفی می‌کند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با توجه به آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ هُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: ۸۲) دو اصل اساسی در ایجاد امنیت در جامعه را این گونه بیان می کند: جنگ ها، تجاوزها، مفاسد، جنایات، و حتی امنیت و آرامش روحی تنها زمانی به دست می آید که در جوامع انسانی، دو اصل ایمان و عدالت اجتماعی حکومت کند؛ اگر پایه های ایمان به خدا متزلزل شود و عدالت اجتماعی جای خود را به ظلم و ستم بدهد در چنان جامعه ای، امنیت وجود نخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ص ۳۲۱). علامه طباطبائی رحمته الله علیه نیز می نویسد:

«اگر عدالت برقرار شد، ایمان حقیقی تجلی می یابد؛ از این رو عدالت صفتی است که پیوندش با اجزای به وجود آورنده امنیت سبب می شود تا امنیت به طور صحیح و کامل اجرا شود (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۷۴).

بنابراین عدالت از این روی که مولد امنیت است، ارزش افرون تری دارد و آشکار است که برجسته ترین رکن عدالت اجتماعی در جامعه، عدالت ورزی حاکمان به معنای فراهم کردن شرایط پیشرفت و حقوق گوناگون انسانی برای همه گروه های جامعه به طور یکسان است. عدالت جز با عدالت ورزی حاکمان در مسائل عمومی و همچنین با ستاندن حق مظلوم از ظالم در روابط شخصی امکان پذیر نیست. وقتی مردم جامعه، شرایط را برای پیشرفت عادلانه فراهم می بینند، زمینه برای مشارکت و همکاری بیشتر بین مردم و دولت بیشتر فراهم می شود و در نتیجه امنیت سیاسی بیشتر تأمین می شود. از سوی دیگر، بخشی از عدالت که وابسته به رفتار مردم با همدیگر است هم با وضع قوانین عادلانه به وسیله حاکمان به منظور هدایت رفتار مردم، تحقق پذیر است.

یکی از نمادهای مهم عدالت، تقسیم عادلانه ثروت در بین همه مردم است: «آنچه خدا از [اموال و زمین های] اهل آن آبادی ها به پیامبرش بازگرداند به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر علیهم السلام، یتیمان، مستمندان و در راه ماندگان اختصاص دارد، تا بین ثروتمندان شما دست به دست نشود» (حشر: ۷)؛ از این رو علامه طباطبائی رحمته الله علیه ارتباط بین تقسیم عادلانه ثروت و جلوگیری از فتنه و ناامنی در جامعه اسلامی را این گونه تبیین می کند:

«مراد آیه این است که اموال تنها در اختیار ثروتمندان نباشد بلکه در راستای مصالح کل

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

جامعه قرار گیرد... این امر سبب وجب ماندگاری نظام و دفع فتنه و ناامنی از جامعه اسلامی می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۶۷).

علامه قرطبی هم به بیان رابطه بین امنیت سیاسی و پایداری دولت‌ها را این‌گونه بیان می‌کند: «مساوات در حقوق و اموال، مانع از تسلط طبقه‌ای بر طبقه دیگر می‌شود؛ فلذا موجب بقای حکومت و امنیت در درون حکومت می‌شود» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۸). حکومت از دیدگاه سیدقطب برای ماندگاری استقرار خود (امنیت سیاسی) به سه پایه اتکاء دارد: عدالت فرمانروایان، فرمان برداری افراد و مشاوره میان فرمانروایان و مردم (سیدقطب، ۱۳۹۲، ص ۳۸۴).

۴-۲-۲. عدم طغیان‌گری و استبداد حاکمان

آموزش‌های همه پیامبران به دو چیز خلاصه می‌شد: دعوت به بندگی خداوند و پرهیز از فرمان‌بری طاغوت و خودکامه. «بی‌تردید در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم تا مردم را به بندگی خداوند و پرهیز از طاغوت فراخواند (نحل: ۳۶)». در قرآن کریم، واژه طاغوت در هشت مورد به کار رفته است. این واژه به صورت کلی، در دو معنای اصطلاحی به کار رفته است: یکی درباره چیزهایی است که به عنوان معبود در برابر خداوند پرستش می‌شود. در این آیه‌ها، شیطان، بُت‌ها و اجنّه به عنوان معبودی در برابر خداوند مورد سرزنش قرار گرفته و بر آنان طاغوت اطلاق شده است. معنای دیگر و غالب آن، حاکم ستم‌گر و هر فرمانروای ظالمی است که طغیان‌کننده از اطاعت الهی بوده و عمل‌کننده به قوانین غیرالهی است. از ژرف‌نگری در این آیه‌ها به دست می‌آید که طغیان در پیوند استوار با حکومت و قدرت سیاسی است. نمرود در زمینه حکومت و قدرت فسادآور قرار گرفت و ادعای الوهیت کرد (بقره: ۲۵۸). طغیان فرعون به روشنی، سبب مأموریت الهی موسی به سوی اوست (طه: ۴۳، ۲۴ و ۴۵؛ نازعات: ۱۷؛ فجر: ۱۱). قرآن، خطر استبداد حاکمان را جدی دانسته است و ایشان را از طغیان‌گری پرهیز می‌دهد. در همین باره، حاکمان وظیفه دارند فضای سیاسی ارتباطی دوسویه را در جامعه اسلامی نهادینه کنند تا ماندگاری حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان تضمین شود (شفیعی، ۱۳۹۳، ص ۱۰).

تردیدی در این نیست که قرآن، نگاه ویژه‌ای به تعامل و همیاری در حیات اجتماعی دارد و این روش را مؤثرترین راه پیروزی در راستای حقیقت‌جویی و واقع‌یابی می‌داند؛ به‌همین دلیل حرف‌شنوی از دیگران را نشانه خردمداری و وسیله راه‌یابی به هدف معرفی می‌کند: «پس مژده بده به آن بندگان من، که به سخنان گوش فرا می‌دهند و بهترین آنها را پیروی می‌کنند. اینانند کسانی که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان» (زمر: ۱۷ و ۱۸). سیره مشورت‌خواهی بلقیس را الگویی پذیرفتنی برای حکمران‌ها می‌شناسد «گفت: نامداران! در کارم به من نظر دهید که بی‌حضور شما هیچ‌گاه کاری را فیصله نداده‌ام» (نمل: ۳۳)؛ و خودرأیی فرعون را عبرتی برای خودکامگان می‌داند: «فرعون گفت: جز آنچه به نظر می‌آید به شما نمی‌نمایم و شما را جز به راه سلامت راهبر نیستم» (غافر: ۲۹)؛ از این رو «آنها به فرمان فرعون گردن نهادند و فرمان فرعون، درستی را نمی‌نمود» (هود: ۹۷). این‌گونه یادآوری‌ها، گویای این است که قرآن به مردم‌سالاری می‌اندیشد و مبارزه با استبداد و استبدادپذیری را رسالت خود می‌داند؛ از همین رو، قرآن کریم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را هم به شور و مشورت با مسلمین فراخوانده است تا مردم را در امور حکومتی داخل کند و از محصولات فکری و تجربی همه شهروندان بهره‌بردار: «... وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» در کار[ها] با آنان مشورت کن» (آل عمران: ۱۵۹).

آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل آیه مزبور به سنت دائمی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در مشورت‌گرفتن و عدم تکیه به رای خود اشاره می‌کند: «پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با اینکه قطع نظر از وحی آسمانی آنچنان فکر نیرومندی داشت که نیازی به مشاوره نداشت؛ برای اینکه از یک‌سو مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه کند و از سوی دیگر، نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهد، در امور عمومی مسلمانان که جنبه اجرای قوانین الهی داشت - نه قانونگذاری شرعی - جلسه مشاوره تشکیل می‌داد و به‌ویژه برای رأی افراد صاحب‌نظر ارزش ویژه‌ای قائل بود؛ تا آنجا که گاهی از رأی خود برای احترام آنها، صرف‌نظر می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۴۴) و در ادامه مشورت‌گرفتن در امور اجتماعی را - که وظیفه مسئولان و حاکمان است - امری ضروری در پیروزی و امنیت می‌داند و حاکمانی که اهل استبداد در رأی باشند را وعده هلاکت و نابودی و در نتیجه از بین رفتن پایه‌های حکومت و امنیت سیاسی می‌دهد. امام

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

علی علیه السلام هم این حقیقت قرآنی را این گونه بیان می کند: «من استبد برأیه هلك، و من شاور الرجال شاركها فی عقولها» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱).

۲-۲-۵. اجرای حدود اسلامی

اسلامی آیینی است که برای فراهم کردن فضایی امن و خالی از هرگونه ناامنی، برای دورکردن انسان ها از سبب های برهم زننده امنیت، برخی قوانین و مقررات تنبیهی را مقرر داشته است؛ زیرا به تجربه ثابت شده که برخی انسان ها تنها هنگامی که با مجازات سخت و کیفری شدید روبه رو می شوند دست از گناه و آلودگی می کشند. از آنجاکه گناهی که از آدمی سر می زند بیشتر به گستره فردی خویش محدود نشده و عواقب و ثمرات آن دامن گیر اجتماع هم شده است و در نتیجه امنیت را به خطر می اندازد، اجرای این قوانین و مقررات باید از سوی مجریان حکومت اسلامی با جدیت دنبال شود. در قرآن کریم بر اهمیت قصاص سفارش شده و خداوند بلندمرتبه از این اصل به عنوان عاملی برای ماندگاری حیات اجتماعی در سایه امنیت یاد کرده است (بقره: ۱۷۸ و ۱۷۹). این آیه ضامن حیات جامعه است؛ زیرا اگر حکم قصاص به هیچ وجه وجود نداشت، افراد خطاکار احساس امنیت می کردند و جان مردم بی گناه به خطر می افتاد همان گونه که در کشورهایی که حکم قصاص به کلی لغو شده، آمار قتل و جنایت به سرعت بالا رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۰۶). همچنین درباره یکی دیگر از سبب های برهم زننده نظم جامعه و ایجاد ناامنی، قرآن کریم فرمان به قاطعیت می دهد: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائده، ۳۸).

اجرای حدود الهی نه تنها امنیت اخلاقی و اجتماعی را پدید می آورد، بلکه اقتدار حکومت را هم در دل مردم تثبیت کرده و آنان را در برابر توطئه های بیرونی محفوظ می دارد. علامه طباطبائی رحمته الله علیه ذیل آیه ۳۴ سوره یوسف، ضرورت اجرای قوانین جزایی برای استقرار امنیت و ثبات در جامعه را این گونه بیان می کند:

زمانی امنیت برقرار خواهد شد که دولت هم عالم به جرم و هم در اجرای مجازات ها مقتدر باشد ... ولی وقتی دولت دچار ضعف قدرت یا مسامحه در عمل شود، مجرمان قوت گرفته و قوانین ضایع می شود و حقوق مردم از بین خواهد رفت. البته ریشه این قوانین و حدود جزایی

باید بر پایه اخلاق انسانی باشد تا امنیت موردنظر را تأمین کند و ریشه اخلاق انسانی هم در توحید است؛ ازاین رو احکام جزایی زمانی مولد امنیت است که بر پایه حدود الهی باشد (طباطبایی، ج ۱۱، ص ۱۵۶-۱۵۷).

بنابراین حاکمان در صورت جدیت در اجرای حدود الهی در حکمرانی خود، امنیت اجتماعی و در نتیجه ثبات نظام سیاسی را فراهم می‌کند.

۲-۲-۶. علم محوری؛ گسترش علم و جلوگیری از توسعه گناه

علامه طباطبائی رحمته الله علیه ذیل آیه «وَقَالَ هُمْ نَبِيَهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ... وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷)، فلسفه حکومت و سلطنت الهی را جلوگیری از هدر رفتن نیروی انسانی و ایجاد امنیت برای شکوفایی استعدادها می‌داند: «سلطنت الهیه برای همین است که دیگر پول‌داری ملاک برتری قرار نگیرد، سلطنت و استقرار حکومت در جامعه‌ای از مردم، تنها و تنها برای این است که اراده‌های متفرق مردم که با نداشتن حکومت همه به هدر می‌رفت، در استقرار حکومت همه یک‌جا متمرکز شود و فردی مزاحم افراد دیگر نشود» (ناامنی). در ادامه ویژگی لازم چنین حکومتی را این‌گونه بیان می‌کند: «برای چنین حکومت چیزی که لازم است داشتن دو سرمایه است، یکی علم به تمامی مصالح حیات جامعه و مفاسد آن و دوم داشتن قدرت جسمی بر اجرای آنچه که صلاح جامعه می‌داند» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۸۷). به بیان دیگر، در حکمرانی قرآنی، انتخاب و انتصاب حاکمان بر اساس میزان بهره‌مندی آنها از دانش و علم است و حکمرانی این حاکمان باید علم‌محور و بر پایه رویکردها و سازوکارهای تصمیم‌گیری و اجرایی عالمانه باشد تا در پرتو آن حق و عدالت اجرا و امنیت اجتماعی و به دنبال آن امنیت سیاسی تأمین شود؛ ازاین رو حضرت یوسف علیه السلام هم با معرفی خود به عنوان کسی که عالم به روش حکمرانی و حفاظت از اموال مردم و مدیریت زندگی معیشتی مردم در شرایط بحرانی است تقاضای مقام خزانهداری حکومت را کرد «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵)؛ حکومت هم که امنیت سیاسی خود را در پرتو امنیت اقتصادی جامعه می‌دانست، او را به این مقام پذیرفت.

ازسوی دیگر، این حکمرانی عالمانه باید سبب گسترش علم و حکمت در جامعه شود؛

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

از این رو قرآن کریم هدف اصلی ارسال انبیاء را افزایش علم و حکمت در پرتو آیات وحی در جامعه دانسته است (جمعه: ۲). هرچقدر علم و حکمت در جامعه بیشتر گسترش پیدا کند، دستگاه معرفتی مردم به ارزش‌های نظام سیاسی حاکم نزدیک‌تر شده و فاصله بین حکومت و مردم کمتر می‌شود و بنابراین امنیت سیاسی به وجود می‌آید؛ چراکه اساس ناامنی سیاسی در یک ساختار سیاسی، شکاف بین حکومت و مردم است. ازسویی، نزدیکی بیشتر ارزش‌های مردم و حکومت و هم‌گرایی بیشتر آنها با هم، زمینه را برای پیشرفت بهتر برنامه‌های دولت اسلامی و در نتیجه رضایت‌مندی عملی مردم بیشتر و پایه‌های حکومت مستحکم‌تر می‌شود.

در نقطه مقابل، رابطه بین گسترش فسق و عدم امنیت سیاسی در آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَجُوبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹) نمایان است. در این آیه مقصود از فحشا و زه انحرافات جنسی اجتماع نیست، بلکه هر نوع گناهی را در برمی‌گیرد و هم ازسویی عذاب ناشی از گسترش فسق و فجور، دربرگیرنده عذاب دنیوی هم می‌شود. عذاب دنیوی هم تنها حدود برآمده از این گناهان نیست، بلکه تبعات بد اجتماعی دیگر را هم در برمی‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۹۳)؛ از این رو اگر نظام سیاسی مانع ترویج گناه در جامعه نشود و یا با حکمرانی خود سبب گسترش گناه در جامعه شود، از این عذاب دنیوی در امان نخواهد بود. قرآن کریم در بسیاری موارد، عذاب نازل شده بر اقوام را به خاطر گناهان صاحب‌منصبان جامعه که مردم دیگر پیرو آنها بوده‌اند دانسته است؛ از این رو سبب اینکه در آیه «هُوَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء: ۱۶) فقط مترفین خطاب امر قرار گرفته‌اند، این است که در بسیاری از جوامع، مترفین (ثروتمندان بی‌بند و بار)، سردم‌داران اجتماع و دیگران پیرو و تابع آنها هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۵۹). به هر حال آیه پیش، هشدار است به همه مردم با ایمان که مراقب باشند، حکومت خویش را به دست مترفین و ثروتمندان مست شهوت ندهند و از آنها پیروی نکنند که جامعه آنان را سرانجام به هلاکت و نابودی می‌کشاند (همان، ص ۶۰). بر همین اساس، حکومت اسلامی باید مانع گسترش فسق و فجور در جامعه شود و خود عاملی برای گسترش آن نباشد؛ چراکه فسق فراگیر در آیات فراوانی، موجبات

هلاکت آن قوم دانسته شده است؛ از جمله آیات ۵۹ سوره بقره، ۱۶۵ سوره اعراف، ۳۴ سوره عنکبوت، ۴۹ سوره انعام.

۷-۲-۲. نرم‌خویی حاکمان نسبت به مردم

سخت‌گیری نکردن و خشونت‌نورزیدن حکومت با مردم - که در بستر عدالت‌ورزی محقق می‌شود - سبب کشش قلب‌های مردم و هم‌گرایی ایشان با نظام سیاسی می‌شود. انس و الفت، اتحاد و همدلی و ثبات و امنیت را به دنبال خواهد داشت. علامه طباطبائی رحمته الله علیه ذیل آیه «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) عفو و مغفرت را در چهارچوب ولایت عامه و تدبیر امور جامعه یعنی از ویژگی‌های حکمرانی می‌داند و در ادامه می‌افزاید که: «این آیه برای این آمده که سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را امضا کرده باشد؛ چون آن جناب جفای مردم را با نرم‌خویی، عفو و مغفرت مقابله می‌کرده است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۵۶). در این آیه به یکی از صفات مهم که در هر حاکمی لازم است، اشاره شده است که آن صفت مسئله گذشت، نرمش و انعطاف در برابر کسانی است که تخلفی از آنها سر زده و سپس پشیمان شده‌اند. بدیهی است شخصی که در مقام رهبری قرار گرفته است اگر خشن، تندخو، انعطاف‌ناپذیر و فاقد روح گذشت باشد به زودی در برنامه‌های خود با شکست روبه‌رو خواهد شد و مردم از دور او پراکنده می‌شوند (عدم امنیت سیاسی) و از وظیفه رهبری باز می‌ماند و به همین دلیل امام علی علیه السلام در یکی از جملات قصار خود می‌فرماید: «آلَةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۴۲). سعه صدر و گذشت از خطاهای مردم و نرمش با آنان، سبب همراهی بیشتر مردم با حکومت و در نتیجه پایداری حکومت از درون و امنیت سیاسی می‌شود. این گذشت در زمان شکست‌های اجتماعی که به خاطر خطاهای مردم بوده است بیشتر خود را نشان می‌دهد (همان، ص ۱۴۲)؛ بنابراین حکمرانی بر پایه حلم و مدارا با مردم است که امنیت سیاسی می‌آفریند. اگر کسی بخواهد مدیر و رئیس باشد و بخواهد با مردم سروکار داشته باشد و عده زیادی را اداره کند، شرطش این است که حوصله خیلی وسیعی داشته باشد (مطهری، [بی‌تا] ج، ص ۲۰۵).

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

البته این نرم‌خویی و محبت حاکمان به مردم، به معنای نادیده‌انگاشتن اقتدار حاکمیت در جای مناسب و بر پایه قانون عادلانه نیست؛ از این رو «اگر نرمش و عطف در جای خود و قاطعیت و شدت در جای خود اعمال شود سبب اقتدار و محبوبیت حاکم می‌شود، اما اگر این دو جابه‌جا شود نظام آسیب می‌بیند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۵ الف، ص ۴۵).

۲-۲-۸. آمادگی همه‌جانبه برای مقابله با تهدیدات خارجی

تهدیدهای بیرونی عبارت از تهدیداتی هستند که از خارج از مرزها و از سوی کشورهای دیگر، امنیت دولت را - که همان عنصر وجودی آن است - مورد تهدید قرار می‌دهند. تهدیدهای بیرونی همواره از بستر آسیب‌پذیری درونی ریشه می‌گیرند. مردم، دولت‌ها را ایجاد کردند تا از آنها در برابر تهاجم خارجی‌ان و همچنین صدمه به یکدیگر دفاع کنند و در نتیجه، چنان امنیتی به وجود بیاورند که بتوانند با کوشش خود و بهره‌گیری از امکانات زمین، رشد پیدا کنند و رضایت‌مندانه زندگی کنند (Hobbes, 1972, p275). هدف اصلی انسان‌ها از اینکه خود را در اختیار دولت قرار می‌دهند، حفظ دارایی آنهاست (منظور از دارایی در اینجا حیات، آزادی و مایملک است) که در حالت طبیعی، بسیار ناامن و فاقد امنیت هستند (Locke, 1960, pp.406-407). حفظ نظام از واجباتی است که شارع مقدس به هیچ‌روی، راضی به ترک آن نیست. در این باره، برخی بر این باورند که باید این معنی را همواره در نظر داشت هنگامی که حفظ حکومت و موازین اسلامی، لازم و واجب باشد، مقدمات آن هم - که کسب آمادگی و صلاحیت است - واجب و لازم می‌شود که در صورت سستی و کوتاهی، هیچ عذری در پیشگاه خداوند سبب نخواستیم داشت. احکامی که راجع به حفظ نظام اسلامی و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلامی است، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ص ۳۴). «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰) این آیه، امری به تهیه هرچه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به‌طور کلی است و مراقبتی همیشگی در دوره صلح و آرامش، به منظور برقراری امنیت دولت اسلامی است. این آیه بیان‌گر این است که حکمرانی در حکومت اسلامی باید به‌گونه‌ای باشد که با تولید قدرت و ابراز آن، ترس و بیم در دل دشمنان و متجاوزان بیرونی امنیت ایجاد کند.

شهید مطهری رحمه الله اهمیت آمادگی عمومی برای رویارویی با تهدیدات بیرونی را دلیل تغییر خطاب قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در آیات پیشین به عموم مسلمین می‌داند و می‌افزاید هرچند مسئولیت اصلی فراهم کردن همه‌جانبه برای رویارویی با تهدیدات برعهده حاکم اسلامی است، ولی به خاطر جایگاه مهم این امر، همه را اعم از حاکم و مردم مورد خطاب قرار می‌دهد (مطهری، [بی‌تا] ب، ص ۱۶۰). البته کلمه «قوة» کلمه کوچک و پر معنایی است؛ نه تنها وسیله‌های جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به گونه‌ای از گونه‌ها در پیروزی بر دشمن اثر دارد اعم از نیروهای مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، که آنها هم در مفهوم «قوة» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد نیز نباید غفلت کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۲۲)؛ از این رو قرآن کریم هر گونه چیرگی کفار بر مؤمنین واقعی را به خاطر قوت درونی جامعه ایمانی نفی کرده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱). از آنجاکه کلمه «سبیل» به اصطلاح از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنی عموم را می‌رساند از آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق، بلکه از نظر نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد باایمان، چیره نخواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۷۵).

نتیجه

امنیت، یکی از مهم‌ترین مفاهیم در حوزه علوم سیاسی است که هر جامعه‌ای بدون آن پیشرفت نکرده و سعادت مادی و معنوی را نخواهد دید. یکی از مهم‌ترین شاخه‌های آن، امنیت سیاسی به معنای ثبات سازمانی در ساختار نظام سیاسی حاکم است. در حکمرانی اسلامی بر پایه قرآن کریم، حاکمان به عنوان کنش‌گر اصلی حوزه حکمرانی، وظیفه اصلی برای تأمین امنیت سیاسی را دارند. همان‌گونه که اصل حکومت اسلامی با باور مردم به توحید و انتخاب آنها نسبت به ارزش‌های الهی صورت گرفته است بقای آن هم در پرتو همان محقق می‌شود؛ از این رو امنیت سیاسی در حکمرانی اسلامی بر پایه قرآن کریم ریشه در دو رکن

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

اساسی «مردم‌محوری» و «الهی‌بودن» دارد. به بیان دیگر، حکمرانی مردم‌محور سبب پیوند ژرف‌تر مردم و حاکمان و در نتیجه ثبات بیشتر دولت اسلامی می‌شود و از سویی دیگر، ایمان به خدا سبب می‌شود رفتار و گفتار حاکمان - یعنی حکمرانی آنها - بر پایه قوانین دینی و راه راست باشد و با پای‌بندی به احکام الهی، خود و جامعه را در راه درست پیشرفت قرار می‌دهند و امنیت را برای دولت اسلامی پیشکش کنند. از دل این دو مؤلفه، راهکارهایی برای تحقق امنیت سیاسی دولت اسلامی بروز می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: پیروی از رهبر جامعه، وحدت و عدم تفرقه بین مسئولان، عدالت‌ورزی، عدم استبداد حاکمان، حکمرانی عالمانه، اجرای حدود الهی، گسترش علم و حکمت و جلوگیری از گسترش گناه، نرم‌خویی با مردم و آمادگی همه‌جانبه برای رویارویی قابل‌ه با تهدیدات خارجی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه.
۱. افتخاری، اصغر (۱۳۷۷). «امنیت ملی: رهیافت‌ها و آثار». مطالعات راهبردی. پیش‌شماره ۲. تابستان. ص ۶۰-۲۷.
 ۲. امینی‌سده، محمدرضا (۱۴۰۲). «نقش نهاد حکومتی در تأمین و حفظ امنیت». پژوهش‌های مطالعات اسلامی معاصر. ش ۴. پاییز. ص ۱۴۵-۱۳۲.
 ۳. بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۴. بوزان، باری و الی ویور و پاپ دووید (۱۳۸۶). چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۵. پارسانیا، حمید (۱۳۸۹). حدیث پیمانه. قم: نشر معارف.
 ۶. حاج‌زاده، هادی و حامد کرمی و حمیدرضا یغمائی (۱۳۹۵). «جایگاه امنیت سیاسی در فقه امامیه با تأکید بر مرجع امنیت». تحقیقات بنیادین علوم انسانی. ش ۴. پاییز. ص ۱۴۲-۱۲۳.
 ۷. حیدری، منصور و سیدمحمدجواد قربی (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های داخلی و خارجی تأمین کننده امنیت سیاسی از منظر امام خمینی (عج)». سیاست دفاعی. ش ۹۲. پاییز. ص ۳۳-۹.
 ۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵). طرح کلی لندیشه اسلامی در قرآن. تهران: مؤسسه ایمان جهانی.
 ۹. سلیمی، حسین و محمد شاه‌محمدی (۱۳۹۹). «استحکام ساخت درونی قدرت نظام ج.ا.ا با نگاه امنیتی (با تأکید بر امنیت سیاسی)». امنیت ملی. ش ۳۷. پاییز. ص ۳۱۴-۲۷۹.
 ۱۰. سیدقطب، ابراهیم حسین الشاربی (۱۳۹۲). عدالت اجتماعی در اسلام. ترجمه محمدعلی گرامی و سیدهادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب.

حکمرانی اسلامی؛ امنیت سیاسی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن کریم

۱۱. سیدقطب، إبراهيم حسين الشاربي (۱۴۱۲ه.ق). في ظلال القرآن؛ بيروت: دارالشروق.
۱۲. شفیعی، محمود (۱۳۹۳). «مسئولیت‌های دولت مردم‌سالار درباره مشارکت سیاسی مردم از منظر قرآن». علوم سیاسی. ش ۶۶. تابستان. ص ۷-۳۴.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۴. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۱۲ق). تفسیر جوامع الجامع. قم: حوزه علمیه قم.
۱۵. علویان، مرتضی و رحمت عباس تبار و عارف ولی‌پور پرکوهی (۱۴۰۲). «بررسی مؤلفه‌های امنیت سیاسی در حکمرانی شایسته». مطالعات علوم مدیریت دریایی. ش ۱۳. پاییز. ص ۹۷-۱۲۱.
۱۶. فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۳۷۳). تفسیرالصادق. تهران: مکتبه‌الصدر.
۱۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۸. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. لک‌زایی، نجف و علی اکبری معلم و محسن حدادی (۱۴۰۳). «موضوع‌شناسی فقهی حکمرانی اسلامی». دین و قانون. ش ۴۳. بهار. ص ۵۱-۷۸.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۲. مراغی، احمد مصطفی [بی تا]. التفسیرالمراغی. بیروت: دارالفکر.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). حکومت و عدالت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). نظریه سیاسی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۵. مطهری، مرتضی (بی تا الف). مجموعه آثار. ج ۴. تهران: صدرا.
۲۶. مطهری، مرتضی (بی تا ب). آشنایی با قرآن. ج ۳. تهران: صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی (بی تا ج). آشنایی با قرآن. ج ۱۳. تهران: صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی (بی تا د). پیرامون جمهوری اسلامی. تهران: صدرا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی ره

۳۱. موسوی خمینی، سیدمصطفی (۱۳۷۶). ثلاث رسائل (ولایت فقیه). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
۳۲. میراحمدی، منصور (۱۳۸۰). «مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن». علوم سیاسی. ش ۱۵. پاییز. ص ۱۰۹-۱۲۲.
۳۳. نصیری، علی اصغر (۱۴۰۱). «مرجع قرآنی و روایی مرجع امنیت سیاسی در اسلام». فصلنامه سیاست متعالیه. ش ۳۶. بهار. ص ۷-۲۶.
۳۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۰). تفسیر راهنما. قم: بوستان کتاب.
35. Webster, s new world dictionary. 1957 PB18.
36. Hobbes, Thomas (1972). *Leviathan*. reprinted in carl Cohen, New York: Random House, 2nd ech.
37. Locke, John (1960), *Secound Treaties of Government*. Liberal Arts Press

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آیین حکمرانی